

تعاون، سال بیست و دوم، دوره جدید، شماره ۸، زمستان ۱۳۹۰

بررسی میزان مشارکت اعضا و تأثیر آن در موفقیت تعاونیهای روستایی شهرستان اصفهان

سید علی نکویی نائینی^۱، اعظم محمدی^۲

تاریخ دریافت: ۹۰/۳/۱۰ تاریخ پذیرش: ۹۰/۷/۲۰

چکیده

تعاونیها سازمانهایی با ویژگی اصلی برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری مشارکتی هستند. رمز موفقیت تعاونیها، مشارکت اعضا در مدیریت آنهاست. این امر در تعاونیهای روستایی به دلیل ماهیت ویژه و اتکای اداره تعاونی به خواست اعضا و نقش آنها در جهتگیریهای شرکت، از اهمیت بیشتری برخوردار است. هدف کلی این تحقیق توصیفی-استنباطی نیز مطالعه میزان مشارکت و تأثیر آن در موفقیت تعاونیهای روستایی شهرستان اصفهان در سال ۱۳۸۹ با استفاده از روش تحلیل رگرسیون است. این شهرستان ۲۶ شرکت تعاونی روستایی دارد (۳ شرکت

۱. کارشناس ارشد سازمان تعاون روستایی استان اصفهان
e-mail:sayedalinekg@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه اصفهان

e-mail:amohammadi1382@yahoo.com

غیرفعال هستند) که مشکلاتی همچون بحرانهای مشارکتی دارند و لذا جامعه آماری تحقیق شامل کلیه شرکتهای تعاونی روستایی شهرستان اصفهان است. داده های مورد نیاز از کلیه مدیران (اعم از مدیرعامل و اعضای هیئت مدیره) شرکتهای تعاونی روستایی شهرستان شامل ۱۳۸ نفر به روش سرشماری و ۲۶۰ نفر از اعضا به روش نمونه گیری سیستماتیک تصادفی جمع آوری شد. ابزار جمع آوری شامل دو نوع پرسشنامه اعضا و مدیران است. روایی پرسشنامه با نظر افراد متخصص و مجرب و پایایی آن با آزمون آلفای کرونباخ و با نرم افزار spss بر روی ۳۰ نفر بررسی شد که ضریب به دست آمده (بالتر از ۰/۸۵) نشاندهنده اعتبار پرسشنامه است. یافته ها نشان می دهد که مشارکت اعضا در مدیریت تعاونیهای روستایی نامناسب است. ضریب همبستگی نیز شدت رابطه بالایی را بین متغیر مشارکت اعضا و متغیر موفقیت نشان می دهد و لذا تأثیر مشارکت اعضا در موفقیت تعاونیها کاملاً بارز است.

کلیدواژه ها:

مشارکت، تعاون، تعاونیهای روستایی، موفقیت

مقدمه

مشارکت اعضا در تعاونی در دو حوزه مختلف مالی و مدیریتی صورت می گیرد. مشارکت در حوزه مالی، در درجه اول به صورت خرید سهام تعاونی و یا به شکل سپرده گذاری یا پرداخت حق عضویت است و یا اینکه در مقابل خرید کالا و یا فروش محصولات اعضا توسط تعاونی، معادل درصدی از کالاهای دریافتی یا تحویل داده شده به تعاونی، سهام جدیدی برای عضو صادر می شود. مشارکت مالی اعضا در تعاونی باعث تقویت رابطه آنها با تعاونی می شود به طوری که اعضا شرکت تعاونی را از آن خود و خود را در خدمت تعاونی می دانند و وابستگی متقابل بین عضو و تعاونی استحکام می یابد. جلب مشارکت مالی اعضا در تعاونیها دارای ارتباط متقابل با سایر حوزه های مشارکت است. مشارکت اعضا در مدیریت و تصمیم گیری ها به مثابه سرمایه اجتماعی، شرط لازم فعالیت تعاونیهاست. در شرکتهای تعاونی به دلیل اینکه اعضا سرمایه گذاران اصلی و

تأمین کنندگان منابع مالی شرکت به شمار می‌آیند، و از سوی دیگر، همین اعضا هستند که تنها بهره‌برداران و یا حداقل بزرگترین گروه استفاده‌کننده از خدمات و فعالیتهای تعاونی می‌باشند، منطقی‌تر می‌بایست بیشترین حضور و مشارکت را در تصمیم‌گیری در تعاونی داشته باشند (انصاری، ۵۶، ۱۳۸۱). به هر حال از مهمترین و در عین حال پیچیده‌ترین حوزه‌های مشارکت در تعاونیها، دخالت فعال و مؤثر اعضا در حوزه تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی و سیاستگذاریهای تعاونی و نیز انتخاب مسئولان و نمایندگان تعاونی است. «هدف و منظور از مشارکت اعضا در این حوزه آن است که تصمیم‌گیری‌ها، انتخاب افراد برای پست‌های مختلف و در سطوح بالای مدیریت تعاونی، توسط اعضا صورت گیرد و تصمیم‌گیری فردی مدیران در موارد بالا به حداقل ممکن کاهش یابد» (حسینی، ۳۲، ۱۳۷۴). طبیعی است که اعضای تعاونیها، مانند سایر شرکتها و جوامع، می‌توانند حضور مستقیم و بی‌واسطه در همه مقولات و تصمیم‌گیری‌ها داشته باشند. هر قدر موضوع مورد تصمیم‌گیری کلی‌تر و اساسی‌تر باشد، مشارکت اعضا بیشتر و مستقیم‌تر خواهد بود. به عکس، در مسائل جزئی و کم‌اهمیت‌تر، تصمیم‌گیری‌ها به نمایندگان منتخب اعضا واگذار می‌شود و در نتیجه با یک‌گانه و واسطه، افرادی به نیابت از سوی اعضای تعاونی، به تصمیم‌گیری و تمهید امور و حل و فصل مسائل می‌پردازند. روشن است که هر قدر در شرکت تعاونی تصمیم‌گیری مستقیم اعضا بیشتر باشد، هدف‌گیری تعاونیها و جهت‌گیری فعالیتهای آنها مناسب‌تر و در نهایت، تعاونی موفق‌تر خواهد بود. به بیان دیگر، مشارکت اعضا در تعاونیها باعث می‌شود که برنامه‌های تعاونی و اهداف آنها، با خواسته‌ها و نیازهای اعضا انطباق و همراهی بیشتری پیدا کند و در صورت اجرای برنامه‌های فوق و تحقق اهداف آنها، نیازها و انتظارات اعضا از تعاونی بیشتر و کامل‌تر برآورده شود و در این حالت، درجه رضایت از تعاونی در بین اعضا بالا می‌رود و دل‌بستگی متقابل بین عضو و تعاونی تقویت می‌شود. «در اساسنامه شرکت‌های تعاونی طبق معمول شرکت‌های تعاونی، مجمع عمومی بالاترین مرجع تصمیم‌گیری درباره مسائل مختلف تعاونی می‌باشد. تصمیمات در مجامع عمومی عادی، با رأی اکثریت اعضای شرکت که نمایندگان

گروههای آنها در جلسه حاضر شده اند اتخاذ می شود، مگر در انتخاب هیئت مدیره که بر طبق مواد ۳۷ و ۵۴ با رأی اکثریت نسبی به عمل خواهد آمد.» (علی بیگی و نکوئی نائینی، ۱۳۸۶، ۳۷). ایفای نقش توسط اعضا در حوزه مدیریت و تصمیم سازی در سازمانهای تعاونی، در دو شکل مستقیم و غیر مستقیم صورت می گیرد. شکل مستقیم آن حضور و شرکت اعضا در مجامع عمومی است که به صورت بی واسطه نظرها و خواسته ها ارائه می شود و بر اجرای برنامه ها و طرحهای تدوین شده نظارت مستقیم صورت می گیرد. شکل غیر مستقیم، دخالت اعضای تعاونی به واسطه نمایندگان آنها می باشد که در قالب هیئت مدیره، بازرس یا بازرسان شرکت و یا با یک واسطه بیشتر، از طریق مدیر عامل یا سایر برگزیدگان یا منصوبین نمایندگان اعضا صورت می گیرد (نظام شهیدی، ۱۳۸۰، ۶۶). مجمع عمومی، هیئت مدیره و بازرسان از ارکان رسمی تعاونی به شمار می آیند. چنین ارکانی اگر فرهنگ یکدلی و سعه صدر را پیشه خود سازند می توانند ابزارهای مؤثری برای مشارکت اعضا تلقی شوند. از آن جا که اعضا با نیازهای خود آشنایی کاملی دارند، اگر به صورت گروه های کاری نیازهای خود را دسته بندی نمایند، این اقدام ابزار مناسبی برای مشارکت اعضا تلقی می شود. گروه های کاری از توان بالای مشارکت برخوردارند و ضمن آن موجب پایداری و تداوم مشارکت می شوند. در واقع گروه های کاری عواملی هستند که بر استقبال از مشارکت و اهمیت آن می افزایند (سعدی، ۱۳۸۶، ۱۵۴).

با این تفاسیر، تحقیق حاضر با اهداف بررسی میزان مشارکت اعضا و تأثیر آن در موفقیت شرکتهای تعاونی روستایی شهرستان اصفهان و نیز ارائه راهبرد به منظور تقویت مشارکت در تشکلهای تعاونی روستایی شهرستان اصفهان انجام شده است.

پیشینه تحقیق

ذات تعاونیها به گونه ای است که باید روحیه مشارکت بین کارکنان تعاونیها تقویت گردد تا به اهداف اجتماعی اقتصادی خود بهتر نائل شوند (کلوانی، ۱۳۸۴، ۲۸۹). چنانچه محققان داخلی و خارجی نیز در مطالعات خود بر این عامل تأکید کرده اند.

روفینو (Rufino, 2002) در تحقیقی مشارکت اعضا در تعاونی را شامل کلیه مراحل تصمیم‌گیری، فرایندها و نتایج کار می‌داند که اصول آن عبارتند از: همکاری همه اعضا، انتخاب دموکراتیک مدیران، انتخاب کمیسیونهای مدیریتی مثل هیئت مدیره، حذف سلسله مراتب، مشارکت در تصمیم‌گیری.

گری و همکارانش (Gray et al., 2001) در مطالعه تأثیر مشارکت اعضا در موفقیت تعاونیها با استفاده از تحلیل رگرسیون، به بررسی مشارکت در مجامع، در کمیته‌های مربوط به تعاونی و عضویت در شرکت به روش پیمایشی روی ۲۰۰ عضو پرداخت. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که چندین متغیر به شرح زیر در مشارکت اثر دارند: الف) افزایش درآمد اعضا، ب) شناخت کافی از اصول تعاون و ج) رضایت اعضا از عملکرد تعاونی و هیئت مدیره.

مرکز مطالعات تعاونیهای روستایی و کشاورزی ایالات متحده آمریکا (United States Rural & Agriculture Cooperatives Studies Center, 1995) سه منبع را در موفقیت شرکت تعاونی مؤثر می‌داند: الف) تقویت نیروی انسانی از طریق آموزش کارکنان و اعضا و تقویت جنبه‌های مشارکت اعضا، ب) سرمایه و ج) امکانات.

جانسون و همکارانش (Johnson et al., 1995) در مطالعه‌ای اهمیت و تأثیر سرمایه‌گذاری اجتماعی (مشارکت) و دیگر عوامل را در موفقیت تعاونیهای روستایی کلمبیا با استفاده از تحلیل کمی بررسی کردند. تعداد افراد مشارکت‌کننده در تصمیم‌گیری‌های مدیریتی در این تعاونیها و روابط اعضا و مدیران و همچنین شناخت تعاونی از نیاز اعضا و برآورده ساختن آن باعث رضایتمندی اعضا از تعاونی و عوامل مهمی در حفظ و بقای تعاونی و افزایش قدرت و موفقیت آن شناخته شده‌اند. همچنین نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری در مشارکت اجتماعی اعضا باعث بهبود عملکرد اقتصادی تعاونیها و افزایش مشارکت باعث افزایش روحیه کارگروهی و سود ناشی از فعالیت تعاونی می‌شود.

فالتون و آدامویچ (Fulton and Adamowicz, 1993) نیز در تحقیقات خود بر روی شرکتهای تعاونی کشاورزی تولیدکنندگان غلات به این نتیجه رسیدند که میزان مشارکت

اعضا در تعاونی و حمایت از آن متأثر از ۳ عامل زیر می باشد: ۱. چگونگی پرداخت سود سهام به اعضا، ۲. قدرت خرید و توزیع نهاده های کشاورزی و ۳. میزان (درصد) درآمد حاصل از غلات کشاورزان.

لیدل و همکارانش (Ladle et al., 1993) در بررسی تعاونیهای کشاورزی با سابقه ۵۰ ساله در نیجریه، بهبود وضع اجتماعی و اقتصادی اعضا توسط تعاونیهای کشاورزی را عامل مشارکت فعال آنان در امور تعاونی می دانند.

بر اساس نتایج تحقیقات سازمان کشاورزی استرالیا (AAC, 1988)، میزان مشارکت اعضا با موفقیت شرکتهای تعاونی رابطه مستقیم دارد. از سوی دیگر، مشارکت با عواملی از قبیل میزان اعتقاد به اصول تعاون، میزان فعالیت اجتماعی، تأثیر گذاری اعضا، بی طرفی تعاونیها و میزان رضایت اعضا و کارکنان تعاونی در ارتباط است.

امینی و رمضانی (۱۳۸۵) در بررسی عوامل مؤثر بر موفقیت شرکتهای تعاونی مرغداران گوشتی استان اصفهان با استفاده از تکنیک AHP، ابتدا با بهره گیری از تحلیل خوشه ای، شرکتهای تعاونی کشاورزی مرغداران گوشتی استان اصفهان را بر اساس شاخص میزان موفقیت در سه گروه طبقه بندی نمودند، سپس اثر همزمان متغیرهای زمینه ای و متغیرهای درون سازمانی را در دو بعد عامل انسانی و عامل مدیریتی، بر موفقیت تعاونیها از طریق آزمون تحلیل مسیر و رگرسیون خطی بررسی کردند. نتایج نشان می دهد که مشارکت متوسط اعضا با ضریب ۰/۱۴۷ به طور مستقیم بر موفقیت تعاونیها اثر گذار است و مشارکت اعضا با دو عامل یاد شده ارتباط نزدیکی دارد.

سیلوواراجوا (۱۳۸۴) علت عدم موفقیت تعاونیهای روستایی را بی اعتنایی اعضا می داند و عوامل مؤثر بر این بی اعتنایی و عدم مشارکت در فعالیت تعاونی را عدم شناخت از اصول تعاون، آموزش نامناسب و کارکرد نامناسب ذکر می کند.

شیرزادی (۱۳۸۲) یکی از عوامل مؤثر بر موفقیت و افزایش کارایی تعاونیها را مشارکت اعضا در مجامع عمومی تعاونیها می‌داند. همچنین پرداخت سود سهام و حذف مقررات دست و پاگیر را عامل افزایش مشارکت اعضا معرفی می‌کند.

رمضانی (۱۳۸۱) در تحقیقی با عنوان «ارزیابی عملکرد هیئتهای مدیره و مدیران عامل اتحادیه‌ها و شرکتهای تعاونی کشاورزی مرغداران از دیدگاه اعضا در ایران» میزان مشارکت اعضا در تعاونی را تا حدودی وابسته به مهارت مدیران و تأثیر مشارکت را بر موفقیت این تعاونیها مثبت ارزیابی کرده است.

صفری شالی (۱۳۸۰) در تحقیقی به بررسی فعالیت و عملکرد شرکتهای تعاونی کشاورزی مرغداران استان تهران پرداخته است. در این تحقیق عواملی درون سازمانی همچون سازه‌های شناخت و باور به تعاون، توانایی فردی، آموزش، رضایت، مشارکت و آگاهی اعضا، توانایی مدیران و وضعیت مالی شرکتهای تعاونی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. نتایج نشان می‌دهد بین مشارکت، تخصص و آموزش با موفقیت شرکت رابطه مستقیم و مثبتی وجود دارد و متغیرهای میزان بهره‌مندی اعضا از آموزش، مشارکت در امور تعاونی، تخصص هیئت مدیره و شناخت از اصول تعاون در موفقیت تعاونی به طور مستقیم تأثیر می‌گذارند.

مبانی نظری و روش تحقیق

این تحقیق از نوع توصیفی و استنباطی است و به این منظور در بخش توصیفی از آماره‌هایی همچون فراوانی، میانگین، انحراف معیار و غیره جهت بررسی میزان مشارکت استفاده شد. در بخش تحلیلهای استنباطی از تکنیک تحلیل رگرسیون و نرم افزار SPSS به منظور بررسی میزان تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته (موفقیت) استفاده گردید. برخی شاخصهای اندازه‌گیری سطح مشارکت اعضا در فعالیتهای تعاونی عبارتند از:

۱. تعداد اعضای حاضر در جلسات مجامع عمومی، ۲. نظارت نقادانه و هدفمند اعضا از

وضعیت فعالیت شرکت، ۳. عزل اعضای هیئت مدیره تعاونی به دلیل ادامه غیبت مکرر آنها و یا عدم حضور آنها در جلسات هیئت مدیره (سیلواراجوا، ۱۳۸۴، ۳۰). در این مطالعه در این مطالعه متغیرهای مستقل شامل میزان مشارکت هیئت مدیره در جلسات سه سال گذشته و مشارکت اعضا در انتخاب هیئت مدیره و متغیر وابسته عبارت از میزان موفقیت شرکتهای تعاونی روستایی شهرستان اصفهان است.

داده‌های مورد نیاز به روش سرشماری از کلیه مدیران (اعم از مدیر عامل و هیئت مدیره) شرکتهای تعاونی روستایی شهرستان اصفهان شامل ۱۳۸ نفر (۲۳ مدیر عامل و ۱۱۵ هیئت مدیره) و ۲۶۰ عضو در سال ۱۳۸۹ جمع آوری شد که این تعداد عضو از میان حدود ۳۶۹۸۳ عضو به روش نمونه گیری سیستماتیک تصادفی انتخاب شدند. برای جمع آوری اطلاعات، از پرسشنامه استفاده شد. به این منظور ۲ نوع پرسشنامه ساختار یافته با سؤالات باز و بسته شامل پرسشنامه اعضا و پرسشنامه مربوط به مدیران (هیئت مدیره و مدیر عامل) طراحی گردید.

برای تعیین روایی ابزار تحقیق (پرسشنامه) از دیدگاه استادان راهنما و مشاور، افراد صاحب نظر دانشگاهی و سایر افراد متخصص و دارای تجربه در زمینه تعاونیهای روستایی بهره گرفته شد و اصلاحات مورد نیاز به عمل آمد. به منظور تعیین پایایی ابزار تحقیق، پرسشنامه توسط ۳۰ نفر تکمیل و آزمون آلفای کرونباخ با استفاده از نرم افزار SPSS انجام شد که ضریب این آزمون بالاتر از ۰/۸۵ به دست آمد و لذا پایایی و اعتبار پرسشنامه تأیید شد.

روش تحلیل رگرسیون^۱

مفهوم رگرسیون را اولین بار فرانسیس گالتون^۲ در سال ۱۸۷۷ به کار برد. او فرایند پیش‌بینی یک متغیر از طریق یک متغیر دیگر را با مفهوم رگرسیون بیان کرد. سپس رگرسیون چندگانه برای تخمین یا پیش‌بینی تغییرات یک متغیر به وسیله متغیرهای دیگر مورد استفاده

1. Regression Analysis

2. Francis Galton

قرار گرفت. از آن زمان به بعد، تکنیک تحلیل رگرسیون برای تعیین رابطه آماری بین دو یا چند متغیر و پیش بینی تغییرات یک متغیر از روی متغیر یا متغیرهای دیگر در سطح وسیع توسط محققان رشته های مختلف به کار گرفته شد (Kothari, 1992, 206-207). تحلیل رگرسیون ارتباط تنگاتنگی با ضریب همبستگی دارد و عموماً به طور همزمان در مطالعات مورد استفاده قرار می گیرد و این امکان را برای محقق فراهم می کند تا تغییرات متغیر وابسته را از طریق متغیرهای مستقل پیش بینی و سهم هر یک از متغیرهای مستقل را در تبیین متغیر وابسته تعیین کند (کلانتری، ۱۳۸۲، ۱۶۹). در واقع برای انجام رگرسیون باید ضریب همبستگی را محاسبه کرد. به نوعی می توان گفت تنها اگر میان متغیرهای مورد مطالعه همبستگی وجود داشته باشد، می توان از رگرسیون برای آزمون فرضیه های تحقیق استفاده کرد.

از آنجا که میزان خطا بر مبنای شاخص واریانس تعیین می گردد، بنابراین در تحلیل رگرسیون مقداری از واریانس متغیر وابسته را که بر مبنای متغیر مستقل تبیین می گردد، مقدار واریانس تبیین شده^۱ می نامند و آن را با R^2 نمایش می دهند. اگر مقدار R^2 از ۱ کمتر شود، واریانس تبیین نشده به دست می آید (همان، ۱۷۳). البته اشکال وارد بر این ضریب آن است که تعداد درجه آزادی را در نظر نمی گیرد. به همین دلیل برای رفع این مشکل معمولاً از ضریب تعیین تعدیل شده استفاده می گردد. البته در رگرسیون چندگانه هر چه تعداد متغیرهای مستقل کمتر باشد، فاصله ضریب تعیین (R^2) با ضریب رگرسیون تعدیل شده (\bar{R}^2)^۲ کمتر می شود. ضریب همبستگی چندگانه که با علامت R نشان داده می شود، شدت رابطه بین متغیر وابسته و متغیر یا متغیرهای مستقل را نشان می دهد که مقدار آن همواره بین ۰ و +۱ می باشد. معنی دار بودن رگرسیون به وسیله F مشخص می شود که در سطح ۹۹ درصد ($\text{sig} = 0.000$) معنی دار است.

-
1. Explained Variance
 2. Adjusted R Square

نتایج بحث

۱. بررسی توصیفی ویژگیهای مشارکتی

مشارکت اعضا و مدیران شرکتهای تعاونی عامل دستیابی این شرکتهای به اهداف اجتماعی و اقتصادی است. طبق اظهارات مدیران، ۶۹/۸ درصد آنان در کلیه جلسات هیئت مدیره در سه سال گذشته شرکت کرده اند (جدول ۱).

جدول ۱. میزان مشارکت هیئت مدیره در جلسات سه سال گذشته

میزان شرکت در جلسات	فراوانی	درصد فراوانی نسبی	درصد فراوانی تجمعی
اصلاً	۳	۲/۳	۲/۳
به ندرت	۸	۶/۲	۸/۵
نیمی از جلسات	۱۰	۷/۸	۱۶/۳
بیشتر جلسات	۱۸	۱۴	۳۰/۲
همه جلسات	۹۰	۶۹/۸	۱۰۰
مجموع فراوانی	۱۲۹	۱۰۰	-

مأخذ: یافته های تحقیق

از نظر مشارکت اعضا در انتخاب هیئت مدیره و تصمیم گیری های مدیریتی، ۱۹ درصد اصلاً مشارکتی نداشته اند، ۲۰/۴ درصد مشارکتی کم، ۲۵/۹ درصد متوسط، ۲۵ درصد زیاد و ۹/۷ درصد خیلی زیاد مشارکت داشته اند (جدول ۲). با این توصیف، مشارکت اعضا در انتخاب هیئت مدیره را نمی توان در حدی مناسب دانست.

جدول ۲. مشارکت اعضا در انتخاب هیئت مدیره و تصمیم‌گیری‌های مدیریتی

میزان مشارکت	فراوانی	درصد فراوانی نسبی	درصد فراوانی تجمعی
هیچ	۴۱	۱۹	۱۹
کم	۴۴	۲۰/۴	۳۹/۴
متوسط	۵۶	۲۵/۹	۶۳/۳
زیاد	۵۴	۲۵	۹۰/۳
خیلی زیاد	۲۱	۹/۷	۱۰۰
مجموع فراوانی	۲۱۶	۱۰۰	-
میانگین از حداکثر ۵	۲/۸۶		
میانه	۳		
انحراف معیار	۱/۲۶		
مقیاس	هیچ: ۱، کم: ۲، متوسط: ۳، زیاد: ۴، خیلی زیاد: ۵		

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۲. بررسی تأثیر مشارکت در توفیق شرکتها با تحلیل رگرسیون (یافته‌های استنباطی)

در ابتدا تنها متغیر مشارکت اعضا وارد معادله رگرسیون شد (جدولهای ۳ و ۴).

جدول ۳. رگرسیون دو متغیره جهت شناسایی تأثیر عامل مشارکت اعضا در میزان

موفقیت تعاونیها (از نظر اعضا)

متغیر	R ²	R	\bar{R}^2	F	Sig
مشارکت اعضا در انتخاب هیئت مدیره	۰/۲۷۴	۰/۵۲۳	۰/۲۷۰	۸۰/۶۰۳	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۴. هسته اصلی تحلیل رگرسیون دو متغیره جهت شناسایی تأثیر عامل مشارکت اعضا در میزان موفقیت تعاونیها (از نظر اعضا)

Sig	t	ضرایب استاندارد		متغیر
		Beta	Std. Error	
۰/۰۰۰	۱۲/۹۹۳	-	۰/۰۹۰	ضریب ثابت
۰/۰۰۰	۸/۹۷۸	۰/۵۲۳	۰/۲۶	مشارکت اعضا در انتخاب هیئت مدیره

مأخذ: یافته های تحقیق

با وارد شدن متغیر مشارکت اعضا، ضریب تعیین رگرسیون ۰/۲۷۴ به دست آمد که نشان می دهد ۲۷/۴ درصد تغییرات در موفقیت به مشارکت اعضا مربوط می باشد و بقیه ۷۲/۶ درصد به عوامل دیگر بستگی دارد. ضریب تعیین تعدیل شده برابر ۰/۲۷۰ می باشد. ضریب همبستگی چندگانه نیز ۰/۵۲۳ است که رابطه بالایی را بین دو متغیر مستقل مشارکت اعضا و متغیر وابسته موفقیت نشان می دهد و بین ۰ و ۱ است. همچنین معنی دار بودن رگرسیون به وسیله آزمون F در سطح ۹۹ درصد تأیید می شود. آزمون t نیز مبین معنی دار بودن این ضریب رگرسیون است.

به منظور بررسی تأثیر مشارکت مدیران، میزان مشارکت آنها در جلسات سه سال گذشته نیز وارد معادله شد (جدولهای ۵ و ۶).

جدول ۵. رگرسیون دو متغیره جهت شناسایی تأثیر عامل مشارکت مدیران در میزان موفقیت

تعاونیها (از نظر مدیران)

Sig	F	\bar{R}^2	R	R ²	متغیر
۰/۰۰۰	۱۴/۸۳۶	۰/۱۷۸	۰/۴۳۷	۰/۱۹۱	مشارکت مدیران در جلسات ۳ سال گذشته

مأخذ: یافته های تحقیق

جدول ۶. هسته اصلی تحلیل رگرسیون دو متغیره جهت شناسایی تأثیر عامل مشارکت مدیران در میزان موفقیت تعاونیها (از نظر مدیران)

Sig	t	ضرایب استاندارد	ضرایب غیر استاندارد		متغیر
		Beta	Std. Error	B	
۰/۰۰۱	۳/۳۴۷	-	۰/۲۴۶	۰/۸۲۳	ضریب ثابت
۰/۶۸۹	-۰/۴۰۲	-۰/۰۳۲	۰/۰۵۲	-۰/۰۲۱	مشارکت مدیران در جلسات ۳ سال گذشته

مأخذ: یافته های تحقیق

با وارد شدن متغیر مشارکت مدیران، ضریب تعیین رگرسیون ۰/۱۹۱ به دست آمده که نشان می دهد ۱۹ درصد تغییرات در موفقیت به مشارکت مدیران مربوط می باشد و بقیه ۸۱ درصد به عوامل دیگر بستگی دارد. ضریب رگرسیون تعدیل شده برابر ۰/۱۷۸ می باشد. ضریب همبستگی چندگانه برابر ۰/۴۳۷ است که وجود رابطه بالایی بین دو متغیر مستقل مشارکت مدیران و متغیر وابسته موفقیت را نشان می دهد (بین ۰ و ۱ است). همچنین معنی دار بودن رگرسیون به وسیله آزمون F در سطح ۹۹ درصد تأیید شد، اما آزمون t برای متغیر میزان مشارکت مدیران، معنی داری این ضریب رگرسیون را نشان نمی دهد.

نتیجه گیری و پیشنهاد

یافته ها نشان داد که ۱۹ درصد اعضا هیچ مشارکتی در انتخاب هیئت مدیره نداشتند، ۲۰/۴ درصد مشارکتی کم، ۲۵/۹ درصد مشارکتی متوسط، ۲۵ درصد مشارکتی زیاد و ۹/۷ درصد مشارکتی خیلی زیاد داشته اند که این مسئله مبین مشارکت نامناسب اعضا در این زمینه است. همچنین ۶۹/۸ درصد مدیران در تمامی جلسات هیئت مدیره در سه سال گذشته شرکت کرده اند.

مقدار ضریب رگرسیون نشان می دهد که ۲۷/۴ درصد تغییرات در موفقیت شرکتهای تعاونی به مشارکت اعضا مربوط می باشد و بقیه ۷۲/۶ درصد به عوامل دیگر بستگی دارد. در این باره مقدار ضریب همبستگی ($R=0/523$) نیز شدت بالای رابطه بین متغیر مستقل مشارکت و متغیر وابسته موفقیت را نشان می دهد و بنابراین، تأثیر مشارکت اعضا در موفقیت تعاونیها کاملاً بارز است. همچنین در مورد مشارکت مدیران مقدار رگرسیون نشان می دهد که ۱۹ درصد تغییرات در موفقیت شرکتهای تعاونی به مشارکت آنها مربوط می باشد و مقدار ضریب همبستگی ($R=0/437$) نیز شدت بالای رابطه بین دو متغیر مستقل مشارکت مدیران و متغیر وابسته موفقیت را نشان می دهد و لذا مشارکت مدیران در موفقیت تعاونیها نیز تأثیر دارد. با توجه به نتایج و براساس چارچوب مفهومی تحقیق، پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می گردد:

۱. جلب مشارکت اعضا در تصمیم گیری و اداره امور تعاونیها می تواند منافع بی شماری برای این شرکتهای داشته باشد. با توجه به سطح نسبتاً پایین مشارکت اعضا (تقریباً ۴۰ درصد کم، ۲۵/۹ درصد متوسط و ۳۴/۷ درصد زیاد)، پیشنهاد می گردد با محور قرار دادن نیازها و روشهای نوین مدیریت مشارکتی، زمینه مشارکت اعضا و مدیران فراهم شود. بدیهی است ایجاد باور به فلسفه و توانمندیهای تعاون از طریق آموزشهای رسمی، غیررسمی و انبوهی نیز می تواند اثرگذار باشد.

۲. برای مدیرانی که در جلسات مجمع مشارکت مداوم دارند، به منظور حفظ وضعیت موجود، تشویق نامه صادر شود.

۳. تواناییهای علمی - آموزشی برنامه ریزان، مسئولان و مدیران بخش تعاونی در زمینه افزایش مشارکت اعضا تقویت شود.

۴. استفاده همه جانبه از شخصیتها و مسئولان علمی و آموزشی برای یافتن اصول علمی و کاربردی مؤثر در امر توسعه تعاون شهرستان اصفهان با تأکید بر استفاده مؤثر از مشارکت مردمی صورت گیرد.

۵. افکار عمومی به سمت مشارکت در نهضت تعاونی جلب شود.
۶. از تعاونیهای فعال در سطح منطقه مورد مطالعه حمایتهای جدی صورت گیرد.
۷. راهبردهای مناسب برای ایجاد روحیه رقابت سازنده بین تعاونیها تدوین شود.
۸. استفاده صحیح و منطقی از رسانه های جمعی در راستای معرفی ایده های تعاونگرایی و اهمیت اعضا در ادامه حیات تعاونیها صورت گیرد.
۹. جذاب و لذت بخش نشان دادن فعالیتهای بخش تعاونی به منظور افزایش سطح مشارکت اعضای منطقه مورد مطالعه ضرورت دارد.
۱۰. افزایش سطح تحصیلات و آموزش منجر به ایجاد شناخت از اصول تعاون و افزایش میزان مهارت فنی و نهایتاً افزایش مشارکت می شود.

منابع

۱. امینی، امیر مظفر و مسعود رضانی (۱۳۸۵)، بررسی عوامل مؤثر در موفقیت شرکتهای تعاونی کشاورزی مرغداران گوهشتی استان اصفهان، مجله علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی، جلد ۶، شماره ۲، صص ۱۷-۲۹.
۲. انصاری، حمید (۱۳۸۱)، مطالعه موردی شرکت تعاونی روستایی شهابنگ شهریار، مؤسسه تحقیقات تعاونی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، چاپ اول، نشر ام ابیها، تهران.
۳. حسینی، حسن (۱۳۷۴)، حقوق تعاون، جلد اول، چاپ دوم، دانشگاه تهران.
۴. رضانی، مسعود (۱۳۸۱)، ارزیابی عملکرد هیئت های مدیره و مدیران عامل اتحادیه ها و شرکتهای تعاونی کشاورزی مرغداران از دیدگاه اعضا در ایران، کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه صنعتی اصفهان.
۵. سیلوارجوا، آر. (۱۳۸۴)، بی تفاوتی اعضا و عوامل مؤثر بر عدم مشارکت آنها در فعالیت تعاونی، ماهنامه تعاون، شماره ۱۷۳، پیاپی (۲۶۲)، صص ۴۵-۶۵.

۶. سعدی، حشمت‌الله (۱۳۸۶)، ارزیابی تعاونی‌های تولید کشاورزی در شهرستان کبودرآهنگ استان همدان، فصلنامه روستا و توسعه، سال دهم، شماره ۲، صص ۳۵-۴۸.
۷. شیرزادی، حسینعلی (۱۳۸۲)، بررسی دیدگاه‌های دانشگاهیان دانشگاه علامه طباطبائی نسبت به عواملی که بر میزان و ارتقای بهره‌وری در تعاونی‌مصرف دانشگاه نقش دارند، کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی تهران.
۸. صفری شالی، رضا (۱۳۸۰)، بررسی فعالیتها و عملکرد شرکتهای تعاونی کشاورزی مرغداران استان تهران، کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه صنعتی اصفهان.
۹. علی بیگی، امیرحسین و علی نکوئی نائینی (۱۳۸۶)، نقش نهادهای دولتی و غیردولتی در پیشرفت و توسعه تعاونی‌ها، ماهنامه تعاون، شماره ۱۹۱-۱۹۲، صص ۳-۱۵.
۱۰. عنبری، موسی (۱۳۸۰)، مدیریت در تعاونی‌های کشاورزی، چاپ اول، نشر سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران، تهران.
۱۱. کلاتری، خلیل (۱۳۸۲)، پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی - اقتصادی، انتشارات شریف، تهران.
۱۲. کلوانی، عباس (۱۳۸۴)، عوامل مؤثر در بهبود بهره‌وری تعاونی‌های تولیدی و صنعتی، مجموعه مقالات همایش تعاون و توسعه بر مبنای اقتصاد دانایی محور، اداره کل تعاون استان اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان، پیش‌آزادگان، اصفهان.
۱۳. موحدی نائینی، سید عبدالحمید (۱۳۸۴)، ترویج تعاون و جلب مشارکت مردمی، ماهنامه تعاون، شماره ۱۶۷، (پیاپی ۲۵۶)، صص ۱۵-۲۹.
۱۴. نظام شهیدی، مهراندخت (۱۳۸۰)، اصول مدیریت تعاونی‌ها در ایران، چاپ اول، روشنگران نصر، تهران.

15. Australian Agriculture Concil (AAC)(1988), Working play on Agriculture co-operative in Australia, SCA Technical Report Series, Canberra.

16. Fulton, J. R. and W.L. Adamowicz (1993), Factor that influence the commitments of members to their cooperatives organization, *Journal of Agricultural Cooperation*, vol. 8, pp.21-25.
17. Gray Thomas W., Charls A. Kraenzle (2001), Member participation in Agricultural cooperatives: A regression and scale analysis, Rural Busines Cooperative Service (RBS).
18. Johnson, Nancy, Ruth Suarez, Mark London (1995), The importance of social capital in Colombuan rural agro- interprices, Colombia.
19. Kothari, C. R. (1992), Quantitative Techniques, Vikas Publishing House New Delhi, PP.206-207.
20. Ladele, AA, Oi Owu- TA, Igodon-C (1993), Socio – Economic Impact of Agricultural cooperative organizations: empirical evidence from Nigeria Recird 19 of 31 CAB.
21. Rufino, Sandra (2002), The management in democratic and solidary bases, Dilemmas and challenges .
22. United States Rural & Agriculture Cooperatives Studies Center (1995), Grower and manager issues in fruit and Vegetable cooperatives, annual meting, available at: www.agecon.kkkus.edu/accc/ncr 194.